



۲۰۲۱/۰۹/۰۵



ولی احمد نوری

## سید جمال الدین افغان

### بخش چهارم



« ارنیست رونان » (Ernest Renan) نویسنده، فیلسوف و مؤرخ بزرگ فرانسوی در سالهای ۱۸۸۵م (معاصر سید) در وصف او نوشته است: « زمانی که با سید جمال الدین افغانی هم صحبت می شدم، حریت افکار و طبیعت نجیب و درست او، مرا به این اعتقاد امیداشت که من در برابر خودم یکی از آشنایان قدیم خویشتن را دارم. با حضور سید افغانی و سخنانش تصور میکردم «ابن سینا» یا «ابن رشد» یکی از آن آزاد مردان دنیا را می بینم که روح انسانیت بوده اند.

ارنست رونان فرانسوی

## نخستین آموزگار وحدت ملی

نوشته ای از پاکستان تایمز

تخلیص، تصحیح و دوباره نویسی از ولی احمد نوری

در این بخش مقاله ای را از نشریه پاکستان تایمز می آوریم ولی صد حیف که مترجم اولی و مهمتم این کتاب ریفرنس نداده اند که این نوشته در کدام شماره پاکستان تایمز و به چه تاریخی و به قلم چه کسی نشر شده است.

درست ۷۷ سال (۱۹۷۴) پیش از امروز به تاریخ نهم مارچ ۱۸۹۷م سید جمال الدین افغان اولین بنیانگذار کنفرانس اسلامی در یک زندان ترکیه پدرود حیات گفت و با مرگ او سلاطین و شیخ الاسلام هایی که سید جمال الدین افغان را به خاطر افکار جمهوریت خواهی او از یک کشور به کشور دیگر تعقیب می کردند، نیز چهره در نقاب خاک پوشیدند.

در کنفرانس اسلامی لاهور اندیشه ها و نظریات سید جمال الدین افغان سایه افکنده بود. اکنون در پاکستان ما به این بزرگمرد و پیش آهنگ راه همبستگی مسلمانان و به خاطر کارنامه های بزرگ حیات او درود می فرستیم. سال ها نام سید جمال الدین افغان با نهضت اتحاد مسلمانان پیوند ناگسستنی داشت. در واقع کلمه (پان اسلامیزم) آله نادرستی بود که از طرف غربی ها در برابر کشورهای اسلامی به کار رفت. وقتی مسلمانان جهان از این زاویه به طرح اتحاد اسلامی نگاه می کردند "فضل حسین" فقید طی بیانیه ای گفت: این درست است که سلطان "عبدالحمید" رهبر ترکیه اصطلاح (پان اسلامیزم) را به حیث دانه در بازی شطرنج سیاست بین المللی خود استعمال می کرد. اما در عربی، در دری و در ترکی کلمه معادل آن وجود داشت که عبارت از آزادی مسلمانان بود.



علامه اقبال به تاریخ ۸ اپریل ۱۹۳۲ در یک نامه خصوصی به یکی از دوستانش چنین نوشته است: « از نظر من اگر اکنون شخصی واقعاً در جهان اسلام وجود داشته باشد که ما او را برآستی مجدد بنامیم، کسی جز سید جمال الدین افغان نیست. او بنیانگذار سر نوشتی بود که مسلمانان در نیمه قرن بیست منتظر آن بودند. سید جمال الدین افغان در تمام ادوار زندگی خویش برای از بین بردن نظام پادشاهی مجادله می کرد تا مسلمانان در سراسر جهان سرنوشت کشور های خویش را به دست بگیرند. وی در زمره پیشوایان همبستگی اسلام در تمام جهان قرار داشت. وی در اواخر قرن ۱۹ مانند روح سرگردان در دنیای اسلام بود و از تمام کشورهای اسلامی جهان بازدید بعمل آورد، و به مطالعه رژیم های سیاسی آنها پرداخت.

سید افغانی در ترکیه با لباس ترکی

معیار های فرهنگی و اقتصادی آنها را مورد مطالعه عمیق قرار داد و سرانجام به این نتیجه رسید که باید مسلمانان جهان متحد گردند. صدای او بدو در مصر انعکاس بزرگ داشت و در آنجا مفتی "محمد عبده" و "سعد رطلول پاچا" از دوستان دایمی و وفادار سید جمال الدین افغان بودند و نسل جوان ترکیه نیز تحت تأثیرات تعلیمات سید جمال الدین افغان قرار گرفته بودند ولی علما و امرا مشترکاً علیه او به مخالفت برخاستند. شیخ الاسلام از سلطان ترکیه تقاضا کرد که سید جمال الدین افغان را از آنجا به خاطر افکار انقلابی او اخراج نماید. بعد از آن سید جمال الدین افغان از ترکیه رهسپار مصر شده و در مدت کوتاهی جوانان و محصلین روشنفکر به دور این مبارز راه آزادی حلقه زدند، و در جریان این مبارزات بود که "ریاض پاچا" صدراعظم آنوقت مصر نیز با عجله اعلان نمود که وی نیز زیر تأثیر دسپلین سید جمال الدین افغان قرار گرفته است. « بدین ترتیب متدرجاً سید افغان حلقه بزرگی را به دور خویش جمع کرد. در یادداشت ها و خطابه هایی که از آنوقت از سید افغان به یادگار مانده است، نوشته شده:

« همه مسلمانان جهان باهم برادرند و بین مسلمانان از لحاظ رنگ، نژاد، عرق، خون و کشور هیچگونه تمایزی وجود ندارد. رشته ابریشمین اخوت اسلامی، همه معتقدان این آئین را باهم متحد می سازد و باید بدانند که رژیم های شاهی

و انواع نظام های توتالیتر با روح اسلام منافات دارند. طبقه کارگر باید فعالانه در امور سیاسی سهم بگیرند و هر نوع بیعدالتی را در این راه از مقابل خود بردارند ولو که به زندان بروند و یا زندگی خود را از دست بدهند. لهذا این حق هر فرد بشر است که حیات مرفه و مبرا از هر گونه تجاوز داشته باشد و از نظر اسلام هر گونه امتیاز و تبعیض بکلی مردود است.»

این درست در هنگامی بود که برتانیه بر مصر تسلط داشت و حکومت می کرد و سید جمال الدین افغان مردم مصر را علیه استعمار برتانیه به مبارزه و طغیان برانگیخت.

قتل نصرالدین شاه، پادشاه ایران که توسط رضا خان در سال ۱۸۹۸ صورت گرفت ناشی از تعلیمات سید جمال الدین افغان بود.

سید جمال الدین افغان در سال ۱۸۲۹م در ولایت کنر افغانستان در یک خانواده پشتون نژاد به دنیا آمد. تعلیمات ابتدایی اش را در افغانستان و سپس تحصیلات بیشتر را در هندوستان فرا گرفت. در بازگشت به وطن از طرف امیر محمد اعظم خان پادشاه افغانستان به حیث وزیر در کابینه داخل شد.

بعد از مدتی کار در دولت افغانستان سید جمال الدین افغان تصمیم گرفت سرزمین اصلی خود را به خاطر دریافت افق روشنتر ترک بگوید. چون در آنموقع ترکیه خاصاً شهر قسطنطنیه (استانبول امروزی) مرکز تمدن اسلامی بود، قسطنطنیه را بدین منظور انتخاب کرد و رهسپار ترکیه شد. اما از اقامتش دیری نگذشته بود که به اثر مخالفت برتانیه و شیخ الاسلام ناگزیر شد ترکیه را به قصد مصر ترک گوید.

بعداً از مصر دوباره به سوی هند رفت و در شهر کلکته اقامت گزید و در اینجا بود که برتانیه موقع یافت تا سید جمال الدین افغان را در منزلش تحت نظارت بگیرد. و این ثابت ساخت که این شخصیت بزرگ اسلام و علمبردار راه اخوت اسلامی در جهان اسلام هم برای زندگی جای پای نداشته باشد. بنا برآن مجبور گردید تا راهی پاریس پایتخت فرانسه گردد و در آنجا اقامت گزیند. در شهر پاریس بود که به نشر مجله معروف (عروة الوثقی) اقدام نمود و چندی بعد از اینجا هم رهسپار لندن شد و در این شهر نیز که مرکز سرمایه داری جهان بود، توفیق نیافت تا آرمان ها و اندیشه های خود را اظهار نماید. فلذا به صوب روسیه رخت سفر بست و پس از مدت کوتاهی به صوب ایران عزیمت نمود. در آغاز، شاه ایران از سید جمال الدین افغان به آغوش باز استقبال نمود، اما بعد ها از ایران هم به ترکیه روانه شد. سلطان "عبدالحمید" رهبر ترکیه سید جمال الدین افغان را یک انسان پر جوش و تلاش یافت و فکر کرد که برای امپراتوری عظیم ترکیه وجود چنین شخصی پر غنیمت است.

**علامه سید جمال الدین افغان یک معدن عرفان بود. مباحث علمیه، حکمتیه، فلسفه، اجتماعی و غیره که هر روز در بزم آن علامه، می افروخت، هر جمله و عبارت آن خود کتابها و رساله ها تحریر بکار دارد.**

**محمود طرزی**

سلطان می خواست با سید جمال الدین افغان طرح دوستی بیفگند، اما سید جمال الدین افغان از این دوستی های فتنه انگیزانه دوری می جست و در اثر فعالیت سیاسی و حرکات آزادی خواهانه سید افغان، سلطان ترکیه نیز از وی گرفته خاطر شد و به هراس افتاد و سید جمال الدین افغان را از منزلش بازداشت کرد. سید جمال الدین افغان در آن وقت ۶۰ سال عمر داشت و متأسفانه به مرض خائمانسوز سرطان مبتلا بود که با همین مریضی لاعلاج به تاریخ ۹ مارچ ۱۸۸۷م چشم از جهان بست. (۱)

امروز سید جمال الدین افغان یک نام جاودانی است، اما هنگام وفاتش کسی نبود که او را با مراسمی که شایسته شانش بود به خاک سپرده و دفن نماید و قبر سید جمال الدین افغان هم به مرور زمان با خاک یکسان شد.



«کمال اتا ترک»

بعد از جنگ جهانی اول وقتی «کمال اتا ترک» نظام ملوک الطوائفی را در ترکیه منسوخ ساخت و جمهوریت را استقرار بخشید قبر سید جمال الدین پیدا شد و آنرا با سنگ سرخ مزین نمودند و مقبره زیبایی از سنگ مرمر برای آرامگاه او اعمار کردند، ولی آیا طرح این مقبره را کی ریخت؟ مقبره و مزار سید جمال الدین افغان را یک مهندس امریکایی به نام "کرین شارکس" (Cren Shark) که اصلاً سید افغان را نمی شناخت ولی با خواندن کتابی در باره زندگی سید جمال الدین افغان به قلم نویسنده امریکایی «دبلیو اس پلند» (W.S.Pland) با افکار و نظریات سید جمال الدین افغان آشنا و فریفته کرکتر، شجاعت و دلآوری او شده بود طرح اعمار مزار سید افغان را با مشوره و همکاری انجیران ترکی رویدست گرفت. (۲)

پایان بخش چهارم

ادامه دارد

(۱) در مقاله «محمود عوض» تحت عنوان «چهره متفکر و دانشمند عادل»، از بخش سوم ص ۶ پراگراف ۵ چنین برداشت میشود که سید جمال الدین افغان در شهر سن پیتربورگ از طرف قیصر روس مسموم شده است؟ و

در هاجا وفات کرده است؟ ولی در اینجا به قول نوشته «پاکستان تایمز» چنین بر می آید که سید جمال الدین افغان در ترکیه به مرض سرطان دچار شده و در همانجا فوت شده است! آیا به کدامیک این دو نوشته باور کرد؟ امید است خوانندگان و محققینی که در این باره معلومات مؤثق و مستند بدست داشته باشند، آنرا بنویسند و به اطلاع همه دوستداران سید جمال الدین افغان برسانند تا محققین جوان و نسل امروز و فردا به خطا نروند.

اشتباه دیگری که در این نوشته ها موجود است سنه وفات سید جمال الدین افغان است. در نشریه ای که از پاکستان تایمز گرفته شده سال وفات سید را ۹ مارچ ۱۸۸۷م گفته است ولی در نوشته «محمود عوض» نویسنده مصری که در اخبار «الیوم» شماره ۱۶۵۹ - ۲۱ اگست ۱۹۷۶ چاپ مصر آمده، سال وفات سید جمال الدین افغان را ۹ مارچ ۱۸۹۷ ذکر نموده است.

یک نویسنده مالیزیایی هم بنام «کای» که در سال ۲۰۰۸ در انترنت چاپ شده است سال تولد سید جمال الدین افغان را ۱۸۳۸م و سال وفاتش را ۱۸۹۷م ثبت کرده است. فرق بین این سنوات در حدود ده سال است که بدون شک یکی از این سه و یا هم ممکن هر سه اشتباهی باشند.

در مورد سال تولد سید جمال الدین افغان اختلاف زیاد موجود است. چه «کای» سال تولد سید افغان را ۱۸۳۸م می نویسد در حالیکه روزنامه پاکستان تایمز می نویسد که سید جمال الدین افغان در سال ۱۸۲۹م در ولایت کنر افغانستان بدنیا آمده است. بین این دو سنه نه سال تفاوت موجود است.

برای از بین رفتن این اختلاف در تاریخ تولد سید جمال الدین افغان، من به خوانندگان گرامی و دوست داران سید



افغان و محققین جوان، اسناد معتبری را ارائه میکنم که نسبت با تمام اسناد موجود از اعتبار خاصی برخوردار میباشند و آن نوشته های «شیخ محمد عبده نخست شاگرد و سپس یار وفادار سید جمال الدین افغان بوده و شخصاً زندگی نامه سید افغان را رقم زده است. او می نویسد که سید جمال الدین افغان در قریه "اسعدآباد" از قرای کنر افغانستان در سال ۱۲۵۴هجری شمسی (۱۸۷۵م) قدم به دنیا نهاد. هم چنین «ابراهیم مصطفی الوکیلی» در کتاب مفاخر الاجیال خود می نویسد: سید جمال الدین افغان در قریه اسعد آباد یکی از قرای ولایت کنر افغانستان به سال ۱۲۵۴هش متولد گردید.

(۲) در سال ۱۳۲۳ش (۱۹۴۴م) به اثر تصمیم و هدایت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه افغانستان و موافقت کشور دوست ترکیه بقایای جسد سید جمال الدین افغان یا بهتر بگویم عظام رمیم سید افغان به وطن آبابی اش افغانستان انتقال داده شد

نمایی از مزار سید جمال الدین افغانی در صحن پوهنتون کابل (به اهتمام سیدال هومان)

و با مراسم با شکوهی که شایسته مقامش بود در محوطه پوهنتون کابل در یک مقبره مُدرن به خاک سپرده شد. گذارش انتقال تابوت استخوان های سید افغان به وطنش بسیار جالب و دانستنی است که در لابلای یکی از مقالات به مطالعه شما خواهم رسانید.

### بر تریب سید افغانی

گرچه جان در حالت غربت سپرد      تیر خونین اجل بر سینه خورد  
داغ شوق آشیان در خاک برد      از بلای هجر افغان گفت و مرد  
عاقبت جذب محبت کار داد  
خاک او را جا در این گلزار داد  
باز گو ای سید عالی نشان      رهنمای فرقه آزادگان  
این تو، این هم صحنه افغانستان      خاک پاک لاله خیز گل فشان  
آن گلستانی که در یادش ترا  
ناله سر می برد تا اوج سما  
چشم بگشا بیشه شیران نگر      کهسار خویش، آزادان نگر  
آنچه دل می خواستت آنسان نگر      یک نظر بر چهره یاران نگر  
قدر دانان بین که پیش خاک تو  
می کنند اکرام روح پاک تو  
سید ! ای مرد شریف نامدار      گرچه رفتی از وطن با جان زار  
آرزویت ، عاقبت آورد بار      دیدی آخر اهل این بوم و دیار  
جای گیر اندر صف آزادگان  
عشق عزت شوق حریت به جان  
خواب کن در پای کهسار وطن      جاگزین بر طرف کهسار وطن

روح خود گردان مددگار وطن      تا شود با نظم ترکار وطن

هستئ ما را محیط آید به موج

موج مستش اوج گیرد اوج اوج

محمد ابراهیم صفا

تبصره ها از ولی احمد نوری است



برای مطالب دیگر ولی احمد نوری روی عکس کلیک کنید

